

اهداف و دستاوردهای روسیه از ایجاد سازمان پیمان امنیت جمعی

الهه کولایی*

احسان تقوایی**

چکیده

از آغاز تبدیل شوروی به ۱۵ جمهوری مستقل، فدراسیون روسیه در پی ایجاد ترتیبات و ساختارهایی در جهت همگرایی جمهوری‌های بازمانده از اتحاد شوروی و نیز به تدریج تثبیت نقش برتر خود در آنها بوده است. سازمان پیمان امنیت جمعی یکی از این ترتیبات است که برنامه امنیت منطقه‌ای را در دستور کار خود قرار داده است. سؤال اصلی این نوشتار این است که روسیه در چارچوب سازمان پیمان امنیت جمعی، تا چه اندازه توانسته است هویت امنیتی مشترکی را در میان کشورهای عضو به وجود آورد؟ در پاسخ به این سؤال می‌توان این فرضیه را مطرح کرد که هدف اصلی روسیه، استقرار نظامی در اوراسیای مرکزی با استفاده از ابزاری به نام این سازمان است. این کشور تلاش می‌کند از این راه به وابسته ساختن کشورهای منطقه به خود ادامه دهد. در پاسخ به این پرسش که آیا کرملین پس از گذشت دو دهه به هدف خود رسیده است، نظرهای مختلفی وجود دارد. همین که این سازمان در سال‌های اخیر به ابزار پشتیبانی از جهت‌گیری‌های روسیه تبدیل شده و مسکو توانسته است به این بهانه در کشورهایی مانند قرقیزستان و تاجیکستان حضور نظامی خود را ادامه دهد، موفقیتی برای روسیه به شمار می‌آید. این سازمان توانسته است به عنوان یک پلیس محلی در پیشبرد سیاست‌های روسیه تأثیرگذار باشد.

واژگان کلیدی

روسیه، امنیت، سازمان پیمان امنیت جمعی، اوراسیای مرکزی، آسیای مرکزی

Email: ekolaee@ut.ac.ir

Email: e.taghvaei@ut.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۹۲/۷/۲

* استاد مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران

** کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران

تاریخ ارسال: ۹۲/۲/۱۸

جستار گشایی

با وجود فروپاشی اتحاد شوروی، فدراسیون روسیه هنوز هم یک قدرت بزرگ نظامی به شمار می‌آید. در عمل و با این حال، بزرگ‌ترین کشور بازمانده از اتحاد شوروی برای حفظ قدرت خود نیازمند همکاری گسترده با همتایان خود است. علاوه بر این، بعد از فروپاشی شوروی بسیاری از سلاح‌های هسته‌ای تاکتیکی و استراتژیکی به طور گسترده در سراسر اوکراین، قزاقستان و روسیه سفید پراکنده شده بودند و لازم بود تا با این کشورها توافقاتی جهت انتقال این سلاح‌ها به داخل روسیه انجام شود. توسعه همکاری با کشورهای منطقه در زمینه‌های دفاعی و امنیتی احتمالاً اصلی‌ترین وسیله مسکو جهت طرح‌ریزی نفوذ خود در منطقه خواهد بود. این سیاست می‌تواند در بالا بردن موقعیت جهانی روسیه مؤثر واقع شود.

از سوی دیگر، روسیه از آغاز تبدیل شوروی به ۱۵ جمهوری مستقل، در پی ایجاد ترتیبات و ساختارهایی در جهت همگرایی در میان جمهوری‌های بازمانده از شوروی و تثبیت نقش برتر خود در این ترتیبات و ساختارها بوده است. سازمان پیمان امنیت جمعی یکی از این ترتیبات است که برنامه‌های امنیتی را در دستور کار خود قرار

داده است. همچنین باید در نظر داشت که تدابیر روسیه در قالب ترتیبات منطقه‌ای، خود واکنشی است از سوی این کشور به تکاپوی غرب برای رخنه در منطقه و کاهش اقتدار روسیه. سازمان پیمان امنیت جمعی نخستین گام جدی در راه ایجاد یک نظام امنیت جمعی در حوزه کشورهای مستقل هم‌سود بود. این پیمان که اهداف مشخص امنیتی را در دستور کار خود قرار داد، گرایش‌های همگرا و واگرا در جامعه کشورهای مستقل هم‌سود نسبت به روسیه را بهتر نشان می‌دهد.

در این مقاله، نگارندگان به دنبال پاسخ به این پرسش هستند که روسیه در قالب سازمان پیمان امنیت جمعی تا چه اندازه توانسته است هویت امنیتی مشترکی را در کشورهای عضو به وجود آورد؟ در پاسخ به این سؤال می‌توان این فرضیه را مطرح کرد که هدف اصلی روسیه، استقرار نظامی در اوراسیای مرکزی با استفاده از ابزاری به نام سازمان امنیت جمعی است و این کشور تلاش می‌کند تا از این راه، وابستگی کشورهای منطقه به مسکو را بازسازی کند. درباره این موضوع که آیا کرملین بعد از این سال‌ها توانسته است به هدف خود برسد یا خیر؟ نظرهای مختلفی وجود دارد. اما همین

که این سازمان در سال‌های اخیر به ابزار پشتیبانی از مواضع روسیه تبدیل شده و مسکو توانسته است به این بهانه در کشورهای مانند قرقیزستان و تاجیکستان حضور نظامی خود را ادامه دهد، موفقیتی برای روسیه محسوب می‌شود. در هر حال این سازمان توانسته است به عنوان یک پلیس محلی در پیشبرد سیاست‌های مسکو ثمربخش باشد. اما مقایسه مأموریت‌ها و اهداف این سازمان با سازمان ناتو، واقع‌گرایانه نیست.

۱. روسیه و سازمان پیمان امنیت جمعی

در سپتامبر ۱۹۹۳ برای هماهنگی در همکاری‌های نظامی یک دستور مشترک جایگزین کشورهای مستقل هم‌سود شد که نشان‌دهنده هژمونی و اهداف روسیه در اوراسیای مرکزی بود؛ تأسیس سازمان پیمان امنیت جمعی. شکل‌گیری این سازمان نه تنها سبب تحکیم قدرت روسیه شد و افزایش تأثیرگذاری این کشور در کشورهای مستقل هم‌سود شد، بلکه در زمینه حل‌وفصل دشواری‌های امنیتی با ناتو، اهرم‌های بیشتری را در اختیار روسیه قرار داد و حضور و نفوذ آمریکا را در آسیای مرکزی و قفقاز را تحت تأثیر قرار داد (Jusutis, 2005, p. 157)، پیمان

امنیت جمعی، پیش از به قدرت رسیدن پوتین در آغاز سال ۲۰۰۰ از سوی اعضا جدی گرفته نشد. در این سال‌ها تنها رخداد‌های قابل ذکر در پرونده این پیمان، خروج ازبکستان، گرجستان و جمهوری آذربایجان در سال ۱۹۹۹ از آن بود. اما با ورود پوتین به عرصه قدرت در روسیه، این روند تغییر کرد و روسیه نبض این پیمان را بر عهده گرفت.

در سال ۲۰۰۱، دولت‌های عضو پیمان امنیت جمعی، در ایروان پایتخت ارمنستان تصمیم به ایجاد نیروهای واکنش سریع برای رویارویی با خطر گسترش تندروی مذهبی گرفتند. در سال ۲۰۰۲ نیز اعضای این پیمان، با پیشنهاد روسیه برای تبدیل آن به یک سازمان موافقت کردند و نام این پیمان به سازمان پیمان امنیت جمعی تغییر کرد. یک سال پس از شکل‌گیری نیروهای واکنش سریع، در سال ۲۰۰۲ اعضای پیمان امنیت جمعی، پیشنهاد روسیه را برای تبدیل این پیمان به یک سازمان را پذیرفتند. ۷ اکتبر ۲۰۰۲ منشور سازمان پیمان امنیت جمعی و وضعیت حقوقی آن به تصویب رسید و در نشست اعضا در آوریل ۲۰۰۳ به طور رسمی نام پیمان به سازمان تغییر یافت و برای تشکیل ستاد فرماندهی مشترک برای کنترل

نیروی واکنش سریع منطقه و اجرای تمرین‌های مشترک نظامی توافق شد.

شاید یکی از محوری‌ترین رخدادها برای تحکیم عزم روسیه جهت تبدیل سازمان پیمان امنیت جمعی به یک اتحاد قوی نظامی، جنگ سال ۲۰۰۸ با گرجستان بود. از نگاه روسیه حمایت نظامی و سیاسی ایالات متحده آمریکا از گرجستان، نقش مهمی در تصمیم تفلیس برای انجام عملیات نظامی در دو منطقه خودمختار اوستیای جنوبی و آبخازیا داشته است. هنگامی که گرجستان با پشتیبانی آمریکا قصد داشت به عضویت سازمان ناتو درآید، رهبران کرملین تصمیم گرفتند اولویت را به ایجاد یک اتحادیه مشروع دفاعی برای مقابله با ناامنی در منطقه و چالش‌هایی که در امتداد و حاشیه این کشور وجود داشت، بدهند (Mowchan, 2009, p.2) که از نظر استقرار نظامی روسیه در آسیای مرکزی، ابزار نیرومندی برای این کشور محسوب می‌شود. این امر نه تنها به روسیه کمک می‌کند به رویارویی با فعالیت‌های تروریستی در منطقه بپردازد، بلکه از نظر بازسازی وابستگی اعضای پیشین اتحاد شوروی به روسیه کارآمد است. در این زمینه به طور ویژه می‌توان به دو کشور قرقیزستان و تاجیکستان اشاره کرد که

تا حد زیادی امنیت خود را مدیون حضور پایگاه‌های نظامی روسیه در داخل کشور خود می‌دانند. سازمان پیمان امنیت جمعی فرصتی است که روسیه می‌تواند کنترل کامل خود را بر نهادهای نظامی آسیای مرکزی و همچنین همه کشورهای عضو این سازمان از راه ساختار فرماندهی مشترک تحقق بخشد. در سطح برنامه‌ریزی، همه نیروهای سازمان پیمان امنیت جمعی توسط مرکز کنترل ترافیک هوایی در بیشکک انجام می‌شود. پیشنهاد برنامه‌ریزی نیز به طور رسمی زیر نظارت سرویس امنیت فدرال روسیه انجام می‌شود (Frost, 2009, p.85).

از آنجا که کشورهای سازمان پیمان امنیت جمعی قبلاً همگی جزئی از اتحاد شوروی بودند و تاریخی مشترک دارند، در سال‌های اخیر روسیه برای نشان دادن این جنبه‌های مشترک در میان آنها تلاش کرده است. از جمله تلاش‌های مسکو برای احیای همبستگی‌های روانی پیشین، نشان دادن و به رخ کشیدن افتخارات قدیمی شوروی به عنوان ابزاری برای ادغام بیشتر کشورهای عضو است. در همین زمینه کشورهای عضو سازمان پیمان امنیت جمعی سالانه پیروزی اتحاد شوروی در جنگ جهانی دوم را جشن می‌گیرند (Marata, 2009, p.2). نتایج حاصل از

همکاری‌های بیشتر سیاسی و یکپارچه‌سازی این کشورها با روسیه، در سال‌های اخیر آشکار شده است. سازمان پیمان امنیت جمعی به ابزار پشتیبانی از جهت‌گیری‌ها و فعالیت‌های روسیه در سال‌های اخیر تبدیل شده است. برجسته‌ترین استفاده روسیه از این سازمان، زمانی بود که اعضای این سازمان در نشست سران آن در سپتامبر ۲۰۰۸، تجاوز گرجستان به اوستیای جنوبی و آبخازیا را محکوم کردند. رهبران کشورهای عضو این سازمان، همچنین اقدام‌های گرجستان در اوستیای جنوبی و آبخازیا را منفی ارزیابی کرده و از اقدامات روسیه و نقش فعال این کشور در ایجاد صلح و ثبات در این منطقه حمایت کردند (Frost, 2009, p. 87).

مسکو بر این باور است که سازمان پیمان امنیت جمعی، برای حل مشکلات زمان خود در چندین زمینه توانایی دارد. این سازمان قادر به مقابله با تهدیدهای امنیتی کشورهای عضو (به عنوان نمونه رویارویی با بقایای رژیم طالبان) است. با این حال ولادیمیر پوتین در سالگرد دهمین سال تأسیس پیمان امنیت جمعی بیان داشت همکاری کشورهای عضو این سازمان در برابر کسی نیست، بلکه در برابر تهدیدهایی است که سازمان با آن روبه‌رو می‌شود. اما به نظر می‌رسد که روسیه این سازمان را به عنوان یک پاسخ ممکن به

گسترش ناتو به سمت شرق می‌داند. پس از تبدیل پیمان امنیت جمعی به سازمان پیمان امنیت جمعی، همکاری‌های سیاسی، نظامی و فناوری میان کشورهای عضو افزایش یافت که نمونه آن ایجاد پایگاه نظامی روسیه در شهر کانت قرقیزستان است. از سال ۲۰۰۳ تاکنون روسیه بابت این پایگاه هیچ پولی پرداخت نکرده است (Saat, 2005, p. 7)؛ هر چند گفت‌وگوهای زیادی در این مورد انجام شده است.

روسیه به تقویت سازمان پیمان امنیت جمعی، به عنوان عنصر جدیدی در نظام امنیتی اروپا علاقه‌مند است. این سازمان به عنوان جانشین کارکردهای سیاسی-امنیتی-دفاعی کشورهای مستقل هم‌سود و دومین تلاش برای ایجاد یک نظام امنیت منطقه‌ای در شرایط پس از شوروی بوده است. اولین تلاش یک دهه قبل و در قالب جامعه کشورهای مستقل هم‌سود بوده است. هر چند نباید پنداشت که این جامعه در حال حاضر ساختاری مرده است. این سازمان هنوز هم به دلایل بسیار برای روسیه اهمیت دارد. با این حال هدف روسیه ایجاد ساختاری بود تا به صورت تمام‌عیار و مؤثر، مشکلات تضمین امنیت اروپا و نیز نقش آن در روند ارتقای

معماری امنیتی اروپایی را تحقق بخشید (Nikitin, 2011, p.4).

۲. اهداف روسیه از ایجاد سازمان پیمان امنیت جمعی

الف) مبارزه با بنیادگرایی اسلامی

برای بررسی سیاست روسیه در برابر اسلام در منطقه اوراسیا از یک سو باید به گرایش‌های اسلامی پس از فروپاشی اتحاد شوروی و از سوی دیگر باید به وضعیت مسلمانان در فدراسیون روسیه توجه داشت (هانتر، ۱۳۹۱). با وجود تلاش‌های ایدئولوژیک دوران اتحاد شوروی در آسیای مرکزی جهت مذهب‌زدایی از این جوامع، ارزش‌های اسلامی بقای خود را در این جوامع هرچند به صورت کم‌رنگ حفظ کرده است. پس از فروپاشی اتحاد شوروی تمایل مردم به اسلام افزایش یافت. از سال ۱۹۸۹ هزاران مسجد، صدها مدرسه و مرکز اسلامی گشایش یافته و ادبیات مذهبی هم در حال حاضر به طور وسیعی در دسترس است (آکینر، ۱۳۷۵، ص ۱۰۶).

ب) بی‌ثباتی در منطقه خارج نزدیک و هراس از سرایت آن به داخل روسیه

علاوه بر جنگ‌های داخلی و منطقه‌ای که پس از استقلال جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز، گریبانگیر برخی از این جمهوری‌ها شد، این کشورها در معرض

تهدیدهای گوناگون قرار دارند. جدایی‌طلبی، قوم‌گرایی، ملی‌گرایی، اختلاف‌های ارضی و مرزی، مبارزه قدرت در میان گروه‌های سیاسی-اجتماعی و مشکلات ناشی از اقتصاد نابسامان این کشورها، مهم‌ترین عواملی هستند که به صورت بالقوه یا بالفعل این کشورها را تهدید می‌کنند. با توجه به بافت جمعیتی روسیه و نزدیکی اقوام مختلف درون فدراسیون روسیه با جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز، هرگونه بی‌ثباتی در این مناطق، می‌تواند به داخل فدراسیون روسیه سرایت کند و آن را در معرض خطرهای گوناگون، از جمله استقلال‌خواهی و جدایی‌خواهی قرار دهد. در نتیجه، منافع روسیه، جلوگیری از بروز بحران‌های مختلف در آسیای مرکزی و قفقاز و در صورت بروز، کنترل این بحران‌ها را ایجاب می‌کند.

پ) تحکیم ثبات منطقه‌ای و جلوگیری از رخداد درگیری‌های مسلحانه

تحکیم ثبات منطقه‌ای و جلوگیری از شکل‌گیری درگیری‌های مسلحانه، به ویژه در نزدیکی مرزهای روسیه، یکی از عوامل اساسی مورد توجه روسیه در صلح و ثبات در منطقه خارج نزدیک است. در این زمینه نیروهای مجهز متحرک و نیرومند چندمنظوره لازم است که بتوانند تجاوز به روسیه و شرکای آن

را در جامعه کشورهای مستقل هم‌سود دفع کنند و در عملیات حفظ صلح در چارچوب جامعه هم‌سود و برپایه اعتبارنامه سازمان ملل شرکت کنند.

ت) ایجاد اتحادی هم‌گرایانه بر اساس جامعه کشورهای هم‌سود

ایجاد اتحادی هم‌گرایانه بر اساس جامعه کشورهای هم‌سود در سیاست خارجی روسیه از اولویت برخوردار است. توسعه همکاری دوجانبه و چندجانبه نظامی - سیاسی وسیله مهم رسیدن به این هدف است. از دیدگاه بسیاری از روس‌ها، نیروهای مسلح روسیه باید تحرک‌بخش روند همگرایی نظامی - سیاسی و نیروی محرکه اصلی اجرای پیمان تاشکند درباره امنیت دسته جمعی شوند (ایوانف، ۱۳۷۶، ص ۵۲).

ث) مبارزه با تروریسم

موضوع تروریسم بهانه‌ای برای روسیه، جهت مشروعیت بخشیدن به تمایل این کشور به همگرایی نظامی، نه فقط در آسیای مرکزی، بلکه در همه کشورهای مستقل هم‌سود بوده است. تأکید پوتین بر مبارزه ضد تروریستی، ابزاری برای توانا ساختن کشورهای آسیای مرکزی، جهت پیوستن به همکاری‌های دسته‌جمعی به رهبری روسیه بوده است. پوتین به منظور پشتیبانی و

تقویت کشورهای آسیای مرکزی در تشکل‌های همکاری امنیتی به رهبری روسیه، دستور کار مبارزه ضد تروریستی را صادر کرد که تلاشی ضروری برای رویارویی با روند رو به افزایش مداخله خارجی در آسیای مرکزی و عکس‌العمل نسبت به تهدیدهای امنیتی تلقی می‌شود (یانسن، ۱۳۸۲، ص ۱۸۳). تروریسم نیروی یکپارچه‌سازی سیاست امنیتی روسیه در آسیای مرکزی و سراسر منطقه اوراسیاست. اولین و بزرگ‌ترین عامل در این زمینه ترس و اضطراب مشترک نسبت به تروریسم بین ایالتی بوده است. جنگ روسیه و چین نمونه‌ای از این واقعیت است. روسیه هرچند تقریباً با دخالت مستقیم امریکا در حوزه تاریخی خود مخالف بوده، اما مبارزه علیه تروریسم سبب شده است روس‌ها به حمله امریکا علیه تروریسم علاقه‌مند شوند (Wienstein, 2007, p. 172).

ج) حفظ فدراسیون روسیه از خطر تجزیه

توسعه گرایش‌های قوم‌گرایانه در خارج نزدیک، بر امنیت روسیه آثار منفی داشته است. فعالیت جنبش‌های جدایی‌خواه در نقاط مختلف خارج نزدیک، در روسیه بازتاب‌های جدی در پی داشته است. همگونی قومی در میان برخی از سکنه آسیای مرکزی با ساکنان

فدراسیون روسیه، مانند تاتارها نیز در این زمینه قابل توجه است. روابط روسیه با مسلمانان آسیای مرکزی بر روابط دولت و مسلمانان در داخل فدراسیون روسیه هم مؤثر بوده است. این مسئله امکان بروز خطر تجزیه را فراهم آورده است.

چ همکاری منطقه‌ای در زمینه امور نظامی

پس از استقلال جمهوری‌های اتحاد شوروی، تلاش‌هایی که در راستای تشکیل ارتش متحد جمهوری‌ها انجام می‌شد، شکست خورد و به زودی این جمهوری‌ها ارتش‌های مستقل خود را تشکیل دادند. در همان حال روسیه به خوبی از این موضوع آگاه است که به استثنای شماری از این کشورها، جمهوری‌های دیگر، به‌ویژه بیشتر جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز، امکانات و توانایی‌های مناسب و کافی جهت تأمین امنیت خود و منطقه را ندارند. قرار گرفتن این کشورها در منطقه حایل در میان روسیه و کشورهای بی‌ثباتی مانند افغانستان، به شدت بر شدت نگرانی‌های آن می‌افزید. بنابراین از همان نخستین سال‌های پس از استقلال، با رخداد جنگ داخلی در تاجیکستان، روسیه تلاش کرد تأمین امنیت منطقه را خود بر عهده گیرد. کوشش روسیه در متقاعد کردن جمهوری‌های آسیای مرکزی و

قفقاز، برای پاسداری از مرزهایشان توسط سربازان روسی که با موفقیت‌های زیادی همراه بود، در این زمینه قابل ارزیابی است. روسیه در تلاش برای تأمین امنیت منطقه، خواستار آن است که گونه‌ای از نظام امنیتی را که با نیازها، امکانات و شرایط آن سازگار است، در این منطقه صورت بخشد. بنابراین، تأمین امنیت منطقه و همچنین تأمین امنیت مرزهای روسیه در صورت همکاری کشورهای منطقه قابل دسترسی برآورد شد.

به این ترتیب جلب مشارکت کشورهای منطقه، یکی از محورهای مهم تحرک نظامی-امنیتی روسیه در آسیای مرکزی و قفقاز را تشکیل می‌دهد. از سوی دیگر روسیه کوشش می‌کند در اقدام‌های جمهوری‌ها در آسیای مرکزی و قفقاز در جهت تشکیل و راه‌اندازی ارتش‌های ملی و مستقل خود و تدوین و تنظیم ساختارها و استراتژی‌های نظامی و امنیتی این کشورها مشارکت مستقیم داشته باشد. این رویکرد با هدف شکل دادن به ساختارهای نظامی-امنیتی جمهوری‌ها در جهت اهداف روسیه و تداوم تلاش این کشورها در این زمینه انجام می‌شود. روشن است که همکاری نکردن جمهوری‌ها، دسترسی به این هدف را منتفی می‌سازد.

ح) پاسداری از مرزهای دوره اتحاد شوروی

پاسداری از مرزهای شوروی برای روسیه از دو جنبه اهمیت دارد: از یک سو روسیه با توسل به این موضوع، حوزه اتحاد شوروی را (غیر از حوزه بالتیک) حوزه منافع حیاتی خود معرفی کرده و مرزهای آنها را مرزهای خود می‌داند. از سوی دیگر به دلیل نبود مرزهای رسمی میان روسیه و بسیاری از جمهوری‌ها، تأمین مرزهای خارجی شوروی همان تأمین امنیت روسیه محسوب می‌شود. بر این اساس پس از فروپاشی شوروی، روسیه تلاش کرده است با ایجاد نگرانی در جمهوری‌ها، مبنی بر نفوذپذیری مرزهای آنان و طرح ضرورت امضای موافقتنامه همکاری مرزی، فعالیت مرزداری خود را تا قلمروی شوروی گسترش دهد (مرادی، ۱۳۷۵، ۲۲).

خ) ایجاد ترتیبات امنیتی متناسب با تأمین منافع روسیه

سازمان‌های چندجانبه‌گرای منطقه برای روسیه سازوکاری فراهم می‌کند تا اهداف سیاست خارجی خود را بهتر دنبال کند. پس از فروپاشی اتحاد شوروی، روسیه به طرح‌های مختلفی روی آورده تا منطقه امنیتی پیشرو در منطقه خارج نزدیک را با هدف حفظ کردن خود در برابر عوامل تهدید حفظ کند.

مسکو با تأکید بر ماهیت خارجی این تهدیدها، در صدد است شبکه‌ای از ترتیبات امنیتی نظامی ایجاد کند و همچنین به تجهیزات نظامی دولت‌های منطقه دسترسی داشته باشد. در نتیجه پیگیری این سیاست، روسیه در پی آن است رژیم‌های امنیتی در منطقه خارج نزدیک را بر پایه اراده و میل خود ایجاد کند. شالوده روابط امنیتی- نظامی روسیه با جمهوری‌های خارج نزدیک با قرارداد امنیت دسته‌جمعی تاشکند سال ۱۹۹۲ محکم شد. این سازمان که به مرور زمان دچار تغییر و تحولاتی شد، تلاش دارد برای تثبیت روسیه به عنوان مدیر امنیتی قابل اعتماد در این منطقه عمل کند.

د) تلاش برای تضعیف محورهای مخالف روسیه در منطقه

روسیه برای تقویت نفوذ خود در منطقه خارج نزدیک می‌کوشد محورهای مخالف خود را در منطقه ضعیف کند. یکی از محورهای مخالف روسیه در منطقه اتحادیه گوام است که جهت‌گیری‌های غربی را در دستور کار خود دارد. به همین دلیل نیز روسیه با اقدام‌های تشویقی و تنبیهی تلاش کرده است از قوت گرفتن این اتحاد جلوگیری کند. اعمال فشار مسکو به ازبکستان و همچنین ناتوانی ازبکستان در مقابله با تهدیدهای ناشی

از تروریسم، از عواملی بود که سبب شد ازبکستان از اتحادیه گوام خارج شود و به همکاری با روسیه رو آورد.

۳. دستاوردهای سازمان پیمان امنیت جمعی برای روسیه

سازمان پیمان امنیت جمعی پس از فروپاشی شوروی به دلایل مختلف اهمیت داشته است. یکی اینکه این پیمان تنها سازمان چندجانبه است که به روشنی به امنیت و مؤلفه‌های نظامی قابل توجه اختصاص داده شده است. دیگر اینکه این سازمان به جای اینکه نهادی باشد که آن را بیر کاغذی بنامند، نتایج عملی داشته و تعهدهای امنیتی متعارف کشورهای عضو را آشکار کرده و عامل سوم اهمیت این پیمان اینکه سازمان پیمان امنیت جمعی مهم‌ترین پروژه ژئوپلیتیک است که توسط کرملین در اوراسیا دنبال می‌شود. این سازمان یک درک و بینش کلی در مورد جاه‌طلبی‌های قدرت بزرگ روسیه با روابط با جمهوری‌های پسا شوروی و رویکرد آن نسبت به سازمان ناتو و کشورهای عضو آن می‌دهد (Nourzhanov, 2008, p.34).

این سازمان از جامعه کشورهای مستقل هم‌سود برآمد که برای حفظ زیرساخت‌های نظامی یکپارچه اتحاد شوروی و همچنین

دفاع دسته‌جمعی در صورت تهاجم خارجی ایجاد شد. پیمان امنیت جمعی و سازمان کشورهای مستقل هم‌سود به عنوان یک مجموعه، در دیدگاه بوریس یلتسین وسیله‌ای برای استقرار دوباره روسیه در جمهوری‌های شوروی بود، هر چند که به دلایل مختلف از جمله نبود اجماع در تعریف از تهدید خارجی، ملی‌گرایی تندروانه کشورهای مستقل هم‌سود، درگیری‌های متعدد در میان آنها و هراس از نقش مسلط مسکو این سازمان محدود باقی مانده است (Sakva, 1999, p.383).

سازمان پیمان امنیت جمعی بازوی امنیتی بین‌المللی سازمان کشورهای مستقل هم‌سود است. بخشی از اهمیت این سازمان برای روسیه در این واقعیت نهفته است که برپایه موافقت‌نامه تأسیس این سازمان، اعضا از پیوستن به گروه بندی‌های نظامی دیگر منع شده‌اند. وجود این سازمان به ترس روسیه از محاصره و به انزوا کشیده شدن توسط غرب کمک می‌کند (Mankof, 2009, p.181).

طرح این سازمان یک تجربه موفقیت برای سیاست و دیپلماسی روسیه محسوب می‌شود. پس از آنکه جامعه کشورهای مستقل نتوانست به اهداف از پیش تعیین شده خود دست یابد و سازمانی ضعیف محسوب شد، سعی کرد که با تمرکز بر امور امنیتی

همکاری با محدودی از کشورهای محوری در منطقه اوراسیا را به پیش ببرد (Nourzhanov, 2008, p.38). روسیه دوباره تلاش‌های خود را برای تحول سازمان پیمان امنیت جمعی از یک سازمان تا حدی نمادین به یک اتحاد امنیتی و نظامی آغاز کرده است. در خط مقدم این تلاش طرح روسیه برای ایجاد نیروهای واکنش سریع بوده است. این امر ابتکاری بوده است که می‌تواند توانایی کرملین در محدود کردن نفوذ امریکا و غرب در اوراسیا را تقویت کند. پس از حمله‌های ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و متعاقب آن حمله امریکا به افغانستان و ورود نیروهای امریکایی به آسیای مرکزی، روسیه رهبری تلاش‌ها برای احیای اتحاد امنیتی در این منطقه را در اختیار گرفت. علاوه بر این یکی از محوری‌ترین رخدادهای برای تحکیم عزم روسیه برای تبدیل این پیمان به یک اتحاد قوی نظامی جنگ با گرجستان در اوت ۲۰۰۸ بود. از نگاه روسیه حمایت نظامی امریکا از گرجستان به احتمال زیاد نقش مهمی در تصمیم تفلیس برای انجام عملیات نظامی در دو جمهوری خودمختار آبخازیا و اوستیای جنوبی داشته است. از نظر روس‌ها گرجستان با حمایت امریکا در بلندمدت می‌خواست که به عضویت در سازمان ناتو درآید. به همین

دلیل رهبران کرملین اولویت تازه خود را ایجاد یک اتحادیه مشروع دفاعی برای مقابله با تهدیدهای امنیتی علیه خود اعلام کرده‌اند. پس از جنگ روسیه با گرجستان دمیتری مدودیف، رییس‌جمهور روسیه خواستار افزایش قابلیت‌های نظامی در سازمان پیمان امنیت جمعی شد (Mowchan, 2009, p.4). تأکید روسیه بر تجدید سازمان پیمان امنیت جمعی به یک اتحاد نظامی منسجم نتیجه عوامل متعدد برجسته‌ای بوده که در راهبرد جدید امنیتی این کشور در سال ۲۰۰۹ منتشر شده است. نگرانی‌های روسیه در این زمینه عبارت‌اند از تکثیر سلاح‌های کشتار جمعی، قاچاق مواد مخدر، فروش تسلیحات غیرقانونی و جرم و جنایات سازمان‌یافته. در حالی که همه این مشکلات ممکن است ثبات آسیای مرکزی را تهدید کند دو مسئله استراتژیک مورد نظر روسیه است که سبب شده تا تصمیم به تقویت سازمان پیمان امنیت جمعی بگیرد. یکی ادامه گسترش ناتو به سوی شرق و دیگری گسترش ستیزه‌جویی اسلامی. با توجه به سند امنیت ملی روسیه توسعه ناتو به شرق و ورود به منطقه و احتمال ورود کشورهایی مانند اکراین و گرجستان به این پیمان باعث ترس روسیه از منزوی شدن و تحت محاصره

قرار گرفتن را تقویت کرده است. علاوه بر این ابتکار طرح سپر دفاع موشکی امریکا در شرق اروپا بر نگرانی‌های روسیه افزوده است (Mowchan, 2009, p.5). همان طور که در راهبرد امنیتی روسیه مشخص شده است مسکو سازمان پیمان امنیت جمعی را به عنوان یک ابزار کلیدی برای مقابله با چالش‌های منطقه‌ای و همچنین تهدیدهای نظامی و سیاسی می‌نگرد (Alexanderova, 2009, p.3).

در حالی که انسجام سازمان پیمان امنیت جمعی در نهایت می‌تواند ثبات در آسیای مرکزی را تکامل بخشد، برآورد برخی از نهادهای امنیتی غربی این است که به احتمال زیاد این اتحاد می‌خواهد به ابزاری تبدیل شود که مسکو برای رسیدن به اهدافی از جمله کنترل بیشتر کشورهای پسا شوروی از آن استفاده کند. سازمان پیمان امنیت جمعی سازوکاری است که در آن روسیه قادر است به سادگی به شکل دادن محیط ژئواستراتژیک منطقه، در جهت سیاست خود در اوراسیا بپردازد. از ۱۰ موافقت‌نامه‌ای که در این سازمان شکل گرفته، ۸ موافقت‌نامه با فشار روسیه بوده که ۴ مورد آن تصویب شده است. این موضوع نشان می‌دهد روسیه تا چه

اندازه در این سازمان نفوذ دارد (Kazantsev, 2008, p.1077).

روسیه در هر حال ممکن است سازمان پیمان امنیت جمعی را به عنوان ابزاری برای حفظ ثبات و تأمین امنیت در منطقه کشورهای مستقل هم‌سود، با تمرکز بر سازگارسازی سازمان پیمان امنیت جمعی به عنوان یک پیکره یکپارچه چندمنظوره در محیط در حال تغییر ارتقا بخشد. همچنین برای اقدام‌های فوری و موثر مشترک و تبدیل سازمان پیمان امنیت جمعی به یک نهاد مرکزی برای تأمین امنیت در منطقه‌ای که این کشور خود را دارای مسئولیت می‌داند. تأسیس نیروهای واکنش سریع سازمان پیمان امنیت جمعی تصویری از نفوذ فزاینده روسیه در آسیای مرکزی است. با تأکید بر تهدیدها از جانب افغانستان و مشکلات ناتو در مدیریت منطقه، روسیه تلاش خود را برای تأمین بهتر امنیت منطقه اوراسیای مرکزی ادامه می‌دهد. موفقیت روسیه در نفوذ در کشورهای مستقل هم‌سود از راه تقویت سازمان پیمان امنیت جمعی و نیز جدید این کشور در افغانستان به معنای شکست هزینه استراتژی‌های اروپایی و امریکایی در این زمینه خواهد بود. این نکته را می‌توان مورد تأکید قرار داد که اگر اتحادیه اروپا، ناتو و امریکا مایل به حفظ نفوذ خود در

کشورهای مستقل هم‌سود هستند، باید آماده نشان دادن هماهنگی و انعطاف‌پذیری با روسیه باشند.

روسیه با وجود چالش‌های جدید می‌کوشد امنیت و قدرت از دست‌رفته خود را که ناشی از فروپاشی شوروی بوده، بازیابد. در سال‌های پس از فروپاشی شوروی تغییر زیادی صورت گرفته است. در حالی که اقدام‌های جمعی و احترام به مقام و موقعیت روسیه پس از فروپاشی در مرتبه پایینی قرار داشت، اما هم‌اکنون روسیه دوباره به درجه‌ای از حاکمیت و ثبات رسیده است که این کشور را قادر می‌سازد به تجدید روابط نظامی قدیمی خود با کشورهای بر جای‌مانده از فروپاشی شوروی و زیر عناوین مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی بپردازد. تحول در سازمان امنیت جمعی نشان‌دهنده این تغییرهاست (Weinstein, 2007, p.5). توسعه همکاری با کشورهای منطقه در زمینه‌های دفاعی و امنیتی اصلی‌ترین رویکرد مسکو جهت تقویت نفوذ خود در منطقه خواهد بود. این سیاست می‌تواند در بهبود موقعیت جهانی روسیه هم مؤثر واقع شود. امروزه روسیه به کشورهای منطقه برای همکاری‌های دوجانبه و راه‌اندازی یک سیستم امنیت منطقه‌ای بسیار فشار می‌آورد. در همین زمینه در سال ۲۰۰۷ و در یک طرح از سوی روسیه، دو دسته از اسناد

برای فعالیت‌های صلح‌طلبی سازمان پیمان امنیت جمعی و همچنین مسایل دفاعی مورد موافقت قرار گرفت (Paramanov and Stolovski, 2008, p.18).

بدین ترتیب مجموعه مسایل ذکرشده گویای این واقعیت است که روسیه به عنوان کشور محوری در سازمان پیمان امنیت جمعی همواره سعی دارد از یک سو توانمندی نظامی این پیمان را با برگزاری رزمایش‌های نظامی ارتقا دهد و از سوی دیگر با گسترش همکاری با سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان ملل، جایگاه بین‌المللی این پیمان را تحکیم بخشد. این هم در حالی است که برخی کارشناسان معتقدند پیمان امنیت جمعی در آینده می‌تواند به یک نهاد تنها نظامی برای رویارویی با نفوذ قدرت‌های فرامنطقه‌ای مانند امریکا یا ناتو در منطقه تبدیل شود. به هر حال روسیه برای حفظ قدرت و نفوذ خود در منطقه به نهادی مانند سازمان پیمان امنیت جمعی نیاز دارد.

اگرچه روسیه سعی کرده است که دوباره سازمان پیمان امنیت جمعی را به شکل یک ساختار نظامی مستحکم درآورد، اما این سازمان هنوز راه درازی در پیش دارد تا مسکو بتواند به طور مؤثر از آن برای محدود کردن نفوذ غرب در خارج نزدیک استفاده

کند. ایالات متحده و متحدان اروپایی آن بیشتر تلاش کردند از منافع ملی واگرا در میان کشورهای عضو این سازمان بیشترین استفاده را ببرند. در عرصه نظامی نیز اعضای سازمان پیمان امنیت جمعی در چندین مورد به تلاش‌های شتاب‌زده روسیه برای گسترش این سازمان واکنش نشان داده‌اند. این کشورها با اهداف بلندمدت مسکو در این سازمان با احتیاط برخورد می‌کنند. بهانه‌گیری‌های ازبکستان در مورد ایجاد نیروهای واکنش سریع سازمان پیمان امنیت جمعی را می‌توان در این مورد به عنوان نمونه ذکر کرد (Mouchan, 2009, p.6).

۴. محدودیت‌ها و مشکلات روسیه در این سازمان

روسیه در سال‌های گذشته با مسایل و دشواری‌های بسیاری در سازمان پیمان امنیت جمعی روبه‌رو بوده است. این کشور برای کاهش مشکلات خود و جلوگیری از سرایت آن به داخل فدراسیون روسیه و حفظ همگرایی این کشورها با مسکو اقدام‌های گوناگونی انجام داده است. مهم‌ترین مشکلات و مسایل تهدیدکننده منافع روسیه در این سازمان عبارت‌اند از:

الف) استقلال‌طلبی دولت‌های منطقه

بعد از فروپاشی شوروی و استقلال کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز، تمایل رهبران این کشورها به حمایت اقتصادی غرب و همچنین ایجاد تمایل در میان برخی از این کشورها برای وارد شدن در ساختارهای غربی موجب نگرانی برای روس‌ها شد. بعد از فروپاشی اتحاد شوروی ملی‌گرایی در کشورهای خارج نزدیک رشد فزاینده‌ای یافت و این کشورها خواستار آن بودند که خود جهت سیاست خارجی کشورهای خود را تعیین کنند. اگرچه میزان واگرایی از روسیه در میان کشورهای مختلف حوزه خارج نزدیک متفاوت بوده، اما همین امر نیز برای روسیه که در این حوزه منافع حیاتی دارد، نیز منبع نگرانی است. کشورهای منطقه تمایل دارند که در جهت کاهش وابستگی از روسیه به همگرایی با کشورهای غربی بپردازند. هرچند روسیه سعی کرده است ضمن وابسته نگاه داشتن کشورهای حوزه خارج نزدیک به خود، این کشورها را در جهت سیاست‌های خود پیش برد، اما گاه با مخالفت برخی از این کشورها روبه‌رو شده است.

ب) حضور و نفوذ قدرت‌های خارجی در منطقه خارج نزدیک

حضور نظامی قدرت‌های خارجی در منطقه خارج نزدیک، از نگرانی‌های مهم امنیتی روسیه است. یکی از جنبه‌های مهم تحولات منطقه که از جنبه نظامی هم قابل توجه است، پیامدهای ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی تولید و عرضه نفت منطقه به بازارهای مصرف جهان است که بازیگران خارجی را به منطقه می‌کشاند و زمینه را برای حضور نظامی آنان فراهم می‌سازد. با توجه به عملکرد کشورهای غربی مصرف‌کننده نفت در مناطقی مانند خلیج فارس که با همه توانایی از سرمایه خود در صنایع نفتی منطقه و همچنین از عرضه مطمئن نفت به بازارهای جهانی حمایت می‌کنند، این احتمال وجود دارد که سرمایه‌گذاری آنها در صنایع نفت و گاز منطقه خارج نزدیک ممکن است در آینده به حضور و یا دخالت نظامی این کشورها در حمایت از سرمایه‌های خود بینجامد.

پ) گسترش ناتو به سوی منطقه خارج نزدیک

گسترش ناتو به شرق و توسعه چتر امنیتی این پیمان به مناطقی که روسیه آن را حوزه امنیتی خود می‌داند، یکی دیگر از

دشواری‌های امنیتی روسیه در منطقه خارج نزدیک است. خلاء ابتدایی قدرت روسیه در جمهوری‌های پیشین اتحاد شوروی سبب شد موضوع گسترش ناتو در این مناطق مورد توجه قرار گیرد. پس از سرکوب پارلمان روسیه توسط نیروهای نظامی در حمایت از رییس جمهوری، طرح ایده گسترش ناتو به شرق از اهمیت بیشتری برخوردار شد (کولایی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۴). با اعلام سیاست ناتو در مورد گسترش به شرق، این سیاست مورد حمایت بسیاری از کشورهای مرکز و شرق اروپا و نیز جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز قرار گرفت. آنها تمایل خود را برای عضویت در این پیمان ابراز داشتند. گذشته از گرایش غرب‌گرایی در هیئت حاکمه روسیه، سایر گرایش‌ها و گروه‌ها گسترش ناتو به شرق را تهدیدی علیه منافع روسیه می‌دانند. از آنجا که منطقه پیرامونی روسیه، رکن اصلی سیاست هژمونی منطقه‌ای این کشور است، مسکو در برابر گسترش نفوذ و حضور ناتو در این منطقه ایستادگی می‌کند. بر پایه این استدلال هرگونه همکاری عمیق و استراتژیک میان روسیه و ناتو به این وابسته است که امریکا و دولت‌های اروپایی، نقش و نفوذ روسیه در منطقه خارج نزدیک را به رسمیت بشناسند.

ت) مشکلات مالی

یکی از مشکلات مهم کشورهای عضو سازمان پیمان امنیت جمعی و از جمله روسیه، مشکلات مالی است. این مشکلات سبب می‌شود روسیه نتواند به طور منظم به آموزش نیروهای مسلح سازمان پیمان امنیت جمعی بپردازد. همچنین نمی‌تواند تجهیزات جدیدی را جایگزین تجهیزات قدیمی کند. این ناتوانایی روسیه موجب می‌شود برخی از کشورهای عضو این سازمان به دنبال جایگزینی مانند ناتو یا ایالات متحده برای حمایت مالی بیشتر و امنیت بالاتر باشند (Saat, 2005, p.6).

ث) بی‌میلی کشورهای منطقه به همکاری

یک تناقض همکاری امنیتی در آسیای مرکزی و سایر نقاط کشورهای مستقل هم‌سود وجود دارد و آن این است که هرچند نگرانی‌های امنیتی منطقه‌ای جدی هستند، اما کشورهای منطقه به همکاری‌های امنیتی و دفاعی چشمگیرتر با هم تمایل کمتری نشان می‌دهند و ترجیح می‌دهند که با کشورهای قدرتمند منطقه و با قدرتهای خارجی ارتباط برقرار کنند. جمهوری‌های آسیای مرکزی ترجیح می‌دهند به جای تکیه بر ساختارهای امنیتی منطقه‌ای، بر توسعه نیروهای نظامی و گسترش روابط استراتژیک

با قدرت‌های بزرگ متکی باشند. در حالی که احتمال تحریک عوامل بحران‌زایی مانند مسایل قومی و مسایل بر جای مانده از اتحاد شوروی وجود دارد. در همان حال وجود دسته‌بندی‌ها و اختلاف‌های این کشورها، ایجاد روندهای مستحکم همگرایی را بسیار دشوار می‌سازد (آلیسون و جانسون، ۱۳۸۲، ص ۳۲۹).

۵. سازمان امنیت جمعی پلیس محلی یا نیروی بین‌المللی؟

بدون تردید سازمان امنیت جمعی توانسته است به طور نسبی در پیشبرد اهداف روسیه در منطقه اوراسیای مرکزی کمک کند. شاید برخی از فعالیت‌های این سازمان مانند برنامه مبارزه با مواد مخدر مورد انتقاد باشد، اما این موضوع یکی از نگرانی‌های جدی روسیه است. باتوجه به افزایش کشت خشخاش در افغانستان، روسیه بیم دارد پس از خروج نیروهای غربی از افغانستان در سال ۲۰۱۴، جریان ورود مواد مخدر به روسیه و کشورهای این منطقه افزایش پیدا کند.

سازمان پیمان امنیت جمعی به عنوان سازمانی که از جنبه نظری باید مسئول تأمین امنیت اعضای خود باشد، در شرایط بروز خطر واقعی با دشواری روبه‌رو شد. این سازمان تنها برای پاسخ به خطر مشترک شکل نگرفت،

بلکه نتیجه تمایل مسکو برای برقراری نوعی اتحاد نظامی است که برای بسیاری از ناظران، یادآور پیمان ورشو است. اما در واقع این سازمان ابزاری برای تنظیم روابط دوجانبه چند کشور با روسیه است. در واقع روسیه از شرکایش تنها سخنان تشریفاتی در مورد وفاداری آنان و خودداری‌شان از همکاری با غرب را انتظار داشت. ولی مسکو امکانات لازم برای تأمین امنیت آنها را ندارد. شکوفایی اقتصادی هم وجود ندارد. به همین دلیل همه شرکای این منطقه باز هم در جستجوی سازمانی هستند که بتواند نیازهای آنها را برآورده سازد.

این سازمان در مدت فعالیت خود در هیچ‌گونه دفاع جمعی و حل‌وفصل مناقشه‌ها در قلمروی شوروی شرکت نکرده است. می‌توان حمله‌های مبارزه‌جویان اسلام‌گرا به ازبکستان از خاک افغانستان و نیز درگیری‌های داخلی در قرقیزستان و تاجیکستان را یادآور شد. ولی باید در نظر داشت دفاع جمعی در کار نبوده است. سازمان پیمان امنیت دسته‌جمعی به عنوان نتیجه همگرایی نظامی جمهوری‌های پیشین شوروی، در حالی بیستمین سال تأسیس خود را پشت سر گذاشت که کارشناسان از تعدیل اهداف بلندپروازانه آن به سوی واقع‌گرایی

سخن می‌گویند. هر چند این سازمان در سال‌های نخست تأسیس خود، گام‌هایی را برای ایفای نقش پررنگ در معادله‌های بین‌المللی برداشت، ولی اختلاف نظر اعضای آن پیرامون تحولات جهانی سبب شد که این سازمان هدف اصلی خود را پایان دادن به درگیری‌ها در آسیای مرکزی و رویارویی با تهدیدهای تروریستی در آن قرار دهد. می‌توان گفت سازمان پیمان امنیت دسته‌جمعی در دو دهه سپری شده و تکامل خود، فراز و نشیب‌های بسیاری را پشت سر گذاشته است و از ساختاری سیاسی-نظامی با ایده‌های بلندپروازانه برای تأمین امنیت منطقه، به تشکیلاتی واقع‌گرا با تمرکز بر تهدیدهای بالقوه در آسیای مرکزی به عنوان حیات خلوت تاریخی روسیه تبدیل شده است.

فرجام

بررسی روابط روسیه و جمهوری‌های پیشین اتحاد شوروی بیانگر تلاش‌های پیگیر مسکو برای بهره‌گیری از اهرم‌های گوناگون برای حفظ ثبات و آرامش در خارج نزدیک و جلوگیری از توسعه نفوذ قدرت‌های بیگانه در این مناطق بوده است. عواملی مانند حفظ صلح و امنیت، علایق سیاسی-اقتصادی و نظامی-امنیتی، تأمین حقوق اقلیت‌های

روس، بنیادگرایی اسلامی و هراس از انتقال به داخل روسیه و سرانجام جلوگیری از نفوذ قدرت‌های دیگر به این مناطق، در شکل‌گیری ایده خارج نزدیک مؤثر بوده است. پس از استقلال جمهوری‌ها، روسیه در پی ایجاد ترتیبات و ساختارهایی برای بازسازی همگرایی جمهوری‌های بازمانده از فروپاشی شوروی و تثبیت نقش برتر خود در آنها بوده است. سازمان پیمان امنیت جمعی یکی از این ترتیبات بوده که برنامه‌های امنیتی را دستورکار خود قرار داده است.

پیمان امنیت جمعی تا پیش از روی کار آمدن پوتین در روسیه در آغاز سال ۲۰۰۰، از سوی اعضا چندان جدی گرفته نشد. تنها رخدادهای قابل اشاره در این دوره خروج ازبکستان، گرجستان و جمهوری آذربایجان در سال ۱۹۹۹ از آن بود. اما با به قدرت رسیدن پوتین، این روند دگرگون شد. در سال ۲۰۰۱ دولت‌های عضو پیمان امنیت جمعی در ایروان پایتخت ارمنستان، تصمیم به ایجاد نیروهای واکنش سریع برای رویارویی با خطر گسترش افراط‌گرایی مذهبی گرفتند. در سال ۲۰۰۲ نیز اعضای این پیمان با پیشنهاد روسیه برای تبدیل آن به یک سازمان موافقت کردند و نام این پیمان به سازمان پیمان امنیت جمعی تغییر کرد. از

سال ۲۰۰۴ روسیه همکاری‌های خود را با این نهاد نظامی-امنیتی گسترش داد و روند هماهنگی در میان اعضای آن ارتقا یافت. این سازمان برای افزایش کارآمدی اعضا، برنامه‌های آموزشی و مانورهای مختلف را طراحی و اجرا کرد. در برنامه نظامی سازمان پیمان امنیت جمعی که در سال ۲۰۰۳ انتشار یافت، ایجاد نیروهای واکنش سریع در آسیای مرکزی و هماهنگی نیروهای نظامی و امنیتی کشورهای منطقه مطرح شد. این سازمان هماهنگی در سیاست بین‌المللی اعضا را هم پیش‌بینی کرد که می‌تواند در روابط بین‌المللی روسیه کارساز باشد. پس از رخداد انقلاب رنگی در آسیای مرکزی، اهمیت این سازمان افزایش یافت. این همکاری امکان فعالیت نیروهای امنیتی خارجی روسیه را در کشورهای عضو فراهم آورد که بر اساس اولین موافقت‌نامه‌های جامعه کشورهای مستقل هم‌سود چنین اقدامی ممنوع خوانده شده بود.

سازمان امنیت جمعی مهم‌ترین و قوی‌ترین سازمان امنیتی در مجموعه کشورهای بازمانده از فروپاشی اتحاد شوروی است و در مقایسه با دیگر تشکلهای منطقه‌ای در میان این کشورها، موفق‌تر بوده است. روسیه از ایجاد این سازمان اهدافی

را نیز باید به عوامل مؤثر بر موفقیت روسیه در این سازمان افزود.

* این پژوهش حسب درخواست شورای عالی آموزش و پرورش ج.ا.ایران به انجام رسیده است.

منابع فارسی

۱. آکینر، شیرین (بهار ۱۳۷۵)، «تهدیدات و تصور تهدیدات در آسیای مرکزی»، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۱۳.
۲. آلیسون، روی و لنا یانسون (۱۳۸۲)، *امنیت در آسیای مرکزی چارچوب نوین بین‌المللی*، ترجمه محمدرضا دبیری، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۳. اشتایدر دیترز، ویلفرید (زمستان ۱۳۸۱)، «فقدان امنیت در آسیای مرکزی»، ترجمه حسن نیازی، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۴۱.
۴. ایگناتنکو، الکساندر (بهار ۱۳۷۶)، «عامل اسلامی در امور روسیه»، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۱۷.
۵. ایوانف، ایگور (بهار ۱۳۷۶)، «عامل توان نظامی در تأمین منافع روسیه در صحنه بین‌المللی»، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۱۷.
۶. کرمی، جهانگیر (۱۳۸۳)، «سیاست‌ها و اقدامات امنیتی روسیه در خارج نزدیک». در کتاب *کشورهای مستقل مشترک المنافع* ۱. ویژه مسائل امنیتی CIS، تهران: مؤسسه ابرار معاصر.

مانند: مبارزه با بنیادگرایی اسلامی، تحکیم ثبات منطقه‌ای و جلوگیری از رخداد درگیری‌های مسلحانه، ایجاد اتحادی همگرایانه بر اساس جامعه کشورهای هم‌سود، مبارزه با تروریسم، امنیت مرزهای روسیه، حفظ فدراسیون روسیه از خطر تجزیه، جلوگیری از حضور قدرت‌های خارجی، جلوگیری و کنترل درگیری‌های مسلحانه و بحران‌های دیگر، زمینه امور نظامی و ایجاد ترتیبات امنیتی تأمین بیشترین منافع روسیه را دنبال کرده است. روسیه نیز در ایجاد و تداوم این سازمان با دشواری‌ها و محدودیت‌هایی مانند بی‌میلی کشورهای منطقه به همکاری، مشکلات مالی و حضور و نفوذ قدرت‌های خارجی در منطقه خارج نزدیک روبه‌رو بوده است. به نظر می‌رسد روسیه در چارچوب سازمان پیمان امنیت جمعی نسبت به پیمان امنیت جمعی بهتر عمل کرده و توانسته است نفوذ خود را بیشتری اعمال کند. عضو نشدن کشورهای که با روسیه مشکلات امنیتی دارند و یا مناسبات با غرب را ترجیح می‌دهند، مانند گرجستان، مولداوی و جمهوری آذربایجان از یک سو بر این روند تأثیر منفی داشته است. مبارزه با تروریسم و رویکرد پوتین در ارتقاء نقش روسیه در خارج نزدیک و عمل‌گرایی او

۷. کولایی، الهه (۱۳۸۶)، *سازمان پیمان آتلانتیک شمالی دگرگونی در مأموریت‌ها و کارکردها*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۸. کولایی، الهه (۱۳۸۹)، *سیاست و حکومت در آسیای مرکزی*، تهران: سمت.
۹. مرادی، منوچهر (زمستان ۱۳۷۵)، "روسیه و همگرایی نظامی در کشورهای مشترک‌المنافع"، *فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز*، سال پنجم، دوره دوم، شماره ۱۶.
۱۰. یانسن، لنا (بهار ۱۳۸۲)، "روسیه و آسیای مرکزی بعد از ۱۱ سپتامبر"، ترجمه قاسم ملکی، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۴۱.
۱۱. *Appendix 10B. Register of Transfers of Major Conventional Weapons*, (2005) www.sipri.org/yearbook/2006/files/SIPRIYB0610b.pdf (accessed 2011/1/10)
۱۲. Cooley, Alexander, (May 2011), "The Kyrgyz Crisis and the Political Logic of Central Asia's Weak Regional Security Organizations", *Ponars Eurasia Policy Memo*, No. 140.
۱۳. Frost, Alexander, (2009) "The Collective Security Treaty Organization, the Shanghai Cooperation Organization, and Russia's Strategic Goals in Central Asia", *Central Asia- Caucasus Institute Silk Road Studies Program*, Vol. 7, No. 3.
14. Gregory, Gleason, (November 2002) "Inter-State Cooperation in Central Asia, from the CIS to the Shanghai Forum", *Europe-Asia Studies*, No.7.
15. Jesuits, Gruzvydas, (8 December 2005), "Collective Security Treaty Organization: Military Integration Problems and Perspectives in the CIS Space", *The Institute of International Relations and Political Sciences, University of Vilnius*, Website of the Ministry of Foreign Affairs of the Russian Federation: www.mid.ru, press release.
16. Kazantsev, Andrei, (August 2008), "Russian Policy in Central Asia and the Caspian Sea Region", *Europe -Asia Studies*, Vol. 60, No. 6.
17. Malashenko, Alexei, (July- September 2007), "The Islam Factor in Russia's Foreign Policy", *Russia in Global Affairs*. No 2.
18. Manoff, Jeffrey, (2009), *Russian Foreign Policy the Return of Great Power Politics*, Row man & Littlefield Publisher, Inc.
19. Marta, Erica, (23 July 2008), "Moscow Efforts to Strengthen Grip on CSTO and CIS Seek Greater Ideological Unity", CICI Analyst <http://www.cacianalyst.org/?q=node/4907> (accessed on: 2011/20/8).
20. Mowchan, A. John, (July 2009), "The Militarization of the Collective Security

27. Weinstein, Adam, (Winter/Spring 2007), "Russian Phoenix: The Collective Security Treaty Organization", *The Whitehead Journal of Diplomacy and International Relations*.
21. Nikitin, Alexander, (2011), *The Collective Security Treaty Organization: New Regional Security Patterns and Prospects for Reforming Regional Peacekeeping*. kms1.isn.ethz.ch/serviceengine/Files/ISN/119155/...a96c.../8.CSTO.pdf (accessed on: 2011/20/6).
22. Nourzhanov, Krill, (November 2008), "Russia and Eurasian Security: Pragmatism and Geopolitical Ambition in the CSTO (Collective Security Treaty Organisation)", *Australian Institute of International Affairs*.
23. Paramonov, Vladimir and Golegstol Povski, (March 2008), Russia and Central Asia: Multilateral Security Cooperation", *Central Asian Series*, Vol.8.
24. Richard Sakwa, (1999), "Mark Webber, "The Commonwealth of Independent States, 1991-1998: Stagnation and Survival", *Europe-Asia Studies*, Vol. 51, No. 3.
25. Saat, J.H., (February 2005), "The Collective Security Treaty Organization", Conflict Studies Research Center, *Central Asian Series*, Vol.9.No.5.
26. Stephen K.Wegren and Dale R.Herspring, (2010), *After Putin's Russia Past Imperfect, Future Uncertain*, Rowman & Littlefield Publisher, Inc, Fourth Edition.